محسن تاجیک
روزنامه‌نگار

صفحه حافظه روزنامه «فرهیختگان» شنبه هر هفته با خبرها و روایت‌هایی از روزنامه‌ها و رسانه‌های سال‌های گذشته در همان هفته حافظه تاریخی شما را به‌چالش می‌کشد. مروری بر وقایع ۱۲ تیر تا ۱۸ تیر را در شماره امروز از نظر می‌گذرانید.

دیروز این هفته

۱۲ تیر:

۱۳۵۷/تحریم جشن نیمه‌شعبان توسط امام خمینی در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی

امام خمینی در آستانه ماه مبارک شعبان و هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی که ظلم و کشتار رژیم پهلوی به بیشترین حد خود رسیده بود، برپایی هرگونه جشن و چراغانی را در اعیاد شعبانیه تحریم کردند. در پیام امام خمینی به این مناسبت آمده: دست شاه تا مرفق به خون ملت ایران فرو رفته و در حال حاضر ملت عزیز در سوگ عزیزان خود نشسته. چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند.

۱۴ تیر:

۱۳۵۹/ بلوکه کردن دارایی‌های ایران توسط آمریکا

دولت ایالات متحده آمریکا دارایی‌های ایران در بانک‌های این کشور را بلوکه کرد.

۱۳۶۱/ ربودن حاج‌احمد متوسلیان و ۳ دیپلمات دیگر ایرانی در لبنان توسط صهیونیست‌ها

حاج‌احمد متوسلیان (فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله‌سپاه)، سیدمحسن موسوی (کاردار سفارت ایران در لبنان)، تقی رستگار مقدم (کارمند سفارت ایران در لبنان) و کاظم اخوان (عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی) در چهل کیلومتری شمال بیروت در لبنان در حالی‌که عازم محل کار خود در سفارت ایران بودند، توسط نیروهای حزب فالانژ لبنان ربوده و به نیروهای رژیم صهیونیستی تحویل داده شدند و تا امروز از سرنوشت آنها خبری نیست.

۱۶ تیر:

۱۳۷۸/ تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم

طرح اصلاح قانون مطبوعات پس از مدت‌ها کشمکش بالاخره توسط مجلس پنجم به تصویب رسید. جنجال‌های روزنامه‌های زنجیره‌ای دوم‌خرداد قبل و پس از تصویب این طرح باعث ایجاد آشوب و التهاب در تهران به‌خصوص کوی دانشگاه تهران شد.

۱۷ تیر:

۱۳۶۵/شهادت آیت‌الله ربانی‌املشی، عضو فقهای شورای نگهبان

آیت‌الله ربانی‌املشی، عضو فقهای شورای نگهبان و نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی بر اثر بیماری سرطان درگذشت. سیدمهدی هاشمی، برادر داماد آیت‌الله منتظری پس از دستگیری از سوی وزارت اطلاعات و در بازجویی‌های خود در سال ۶۵ و ۶۶ اعتراف کرد که با وسایل و امکانات سمی و داروهای مسموم‌کننده و سرطان‌زا، او را ترور بیولوژیک کرده است.

۱۸ تیر:

۱۳۵۹/کشف طرح کودتای نوژه

مدتی پس از پیروزی انقلاب تعدادی از افسران رژیم شاه که گروهی با نام نقاب تشکیل داده بودند، کودتایی را با هدف بازگرداندن شاپور بختیار، قتل امام خمینی (ره) و بمباران مناطق حساس کشور، از جمله صداوسیما و مجلس طراحی کرده بودند که نقطه آغاز آن از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان بود اما شب عملیات یکی از خلبانان حاضر در عملیات با حضور در منزل آیت‌الله خامنه‌ای، خود را تسلیم و طرح کودتا را تشریح می‌کند.

میرحسین موسوی:

وزارت خارجه باید نقطه‌ثقل فعالیت‌های دیپلماتیک خود را از اروپا و آمریکا به آسیا و آفریقا منتقل کند

میرحسین موسوی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۱۵ تیر ماه ۶۰ و در گفت‌وگو با خبرگزاری پارس درباره برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت وزارت خارجه گفت: برنامه‌های دراز مدت وزارت امور خارجه متاثر از دو مساله است، یکی اینکه وزارت امور خارجه باید اهداف انقلاب اسلامی را در جهت سازمان دادن این وزارتخانه به شکلی که برآورنده این اهداف باشد، دنبال کند تا بتواند حرکتی به‌وجود آورد که راه دولت و ملت ما را برای رسیدن به این اهداف تسریع کند. مساله دوم برگشت به واقعیت‌های موجود در جهان است. اینکه ببینیم انقلاب ما چه رسالتی را برعهده دارد و به چه سمتی می‌خواهد حرکت کند؟ دشمنان و دوستانش چه کسانی هستند؟ منافع ما در چه است؟ آیا این منافع جنبه ملی دارد؟ آیا این منافع جنبه اسلامی دارد و آیا این منافع ملی و اسلامی از همدیگر جدایی دارند یا یکی هستند؟ تمام اینها چیزهایی هستند که به بررسی برنامه‌های دراز مدت وزارت امور خارجه می‌توانند کمک کنند. وزارت امور خارجه همان‌طور که در برنامه دولت نیز مطرح شده، در جهت مبارزه با استکبار جهانی به‌عنوان یک اصل حرکت خواهد کرد و به هر ندای مظلومانه‌ای که از میان ملل مستضعف جهان بلند شود، پاسخ مثبت خواهد داد و به نهضت‌های آزادی‌بخش که در راه حق و راه بهروزی انسان‌ها و برگشت دادن انسان‌ها به فطرت خداجوی‌شان حرکت می‌کنند، کمک خواهد کرد و انقلاب ما موظف است که به آنها کمک کند. ما باید تلاش کنیم که سیاست خارجی‌مان را در جهت کمک برای آزاد ساختن سرزمین اشغال شده فلسطین شکل دهیم. وزارت خارجه باید نقطه‌ثقل فعالیت‌های دیپلماتیکی خود را از اروپا و آمریکا به آسیا و آفریقا منتقل کند؛ چراکه زبان فرهنگ و پیام انقلاب ما را ملت‌های دربند بهتر می‌فهمند. زمینه حرکت برای آنها فراهم‌تر و گسترده‌تر است. از نظر رفع وابستگی‌ها نیز بازگشت به کشورهای جهان‌سوم بسیار ضروری است. ما مجبوریم که بازرسی دقیقی روی سفارتخانه‌های خود داشته باشیم و در داخل نیز باید تلاش کنیم ساخت درونی وزارت خارجه را به‌تدریج طوری تغییر دهیم که به اهداف انقلاب اسلامی ما همسازی بیشتری داشته باشد. به‌طور مثال رژیم سابق در فعالیت‌های سیاسی‌اش به کشورهایی اهمیت می‌داد که این کشورها در دیدگاه ما دیگر آن اولویت سابق را ندارند، چون ما داریم از آنها رو برمی‌گردانیم و در جهت عدم وابستگی به آنها حرکت می‌کنیم و دل‌مان می‌خواهد طوری پیش برویم که به قضاوت‌های آنها کمتر اعتنا کنیم و برعکس نقطه‌ثقل فعالیت‌های دیپلماتیک و کنسولی خود را به‌سمت آسیا و آفریقا برگردانیم.

بازخوانی یک جنایت آمریکا

ناووینسنس چگونه ایرباس ایرانی با ۲۹۰ مسافر را سرنگون کرد؟

صبح ۱۲ تیر ماه ۶۷ هواپیمای ایرباس ۳۰۰ متعلق به هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران با ۲۹۰ سرنشین شامل ۲۷۴ مسافر و ۱۶ خدمه پرواز قرار بود ساعت ۱۰ صبح از بندرعباس به مقصد دبی پرواز کند که این پرواز با ۱۵ دقیقه تاخیر ساعت ۱۰:۱۵ دقیقه صورت گرفت. ۷ دقیقه پس از پرواز ارتباط برج مراقبت فرودگاه با هواپیما قطع شد. هواپیمای مسافربری ایران ارتفاع ۷ هزار پایی را پشت‌سر گذاشته بود و به‌سمت ۱۲ هزار پا می‌رفت که ناو آمریکایی وینسنس ۲ فروند موشک زمین به‌هوا به‌سوی هواپیما شلیک کرد و هواپیما در همان لحظه اول اصابت دو نیم شد و سقوط کرد.

سرتیپ منصور ستاری، فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۱۵ تیر ماه نیز در گفت‌وگو با ای‌بی‌سی آمریکا و ای‌تی‌ان انگلیس این فاجعه را عمدی دانست. وی با اشاره به مختصات کریدور پرواز که هواپیمای ایرانی در آن تردد می‌کرد، گفت: تنها طی یک هفته قبل از فاجعه ۱۸۹ هواپیما از این کریدور پروازی استفاده کرده بودند که با توجه به تجهیزات ناوهای آمریکایی یقینا همه آنها مورد شناسایی قرار گرفته بودند. ستاری در مورد سخنان ویلیام کراو، رئیس ستاد نیروهای مسلح آمریکا که گفته بود هواپیما خارج از راه بین‌المللی پرواز می‌کرده و کسی که منطقه را منطقه جنگی اعلام می‌کند و در این منطقه هواپیمای غیرنظامی را به پرواز درمی‌آورد باید منتظر این ریسک‌ها باشد، گفت: اولا این پرواز اول ما نبوده و درثانی لاشه هواپیما در جایی افتاده که راه هوایی بین‌المللی درست بالای آن است. آمریکا اول باید ثابت کند که این منطقه یک منطقه جنگی است، چه کسی در دنیا این منطقه را منطقه جنگی اعلام کرده است؟ امروز بیمه‌گذاران بین‌المللی حتی آب‌های این منطقه را نظامی و جنگی نمی‌دانند. آمریکایی‌ها می‌توانند این مساله را از شرکت لویدز لندن بپرسند.

روزنامه کیهان ۱۶ تیر ماه به نقل از یکی از امدادگران که در روزهای بعد از این حادثه مشغول پیدا کردن اجساد قربانیان در آب‌های خلیج فارس بودند، نوشت: این دومین باری است که از ظهر امروز به منطقه می‌رویم. ظهر که رفتیم، یک عالمه جنازه، نمی‌دانم شاید صد تا جنازه آوردیم، چه جنازه‌هایی! هیچ‌کدام‌شان سالم نبودند، یکی دست نداشت، یکی سر، یکی پا. یک پیرمرد را خودم داخل آوردم که از وسط دو تکه شده بود. یک بچه ۸ ماهه آوردم که خودم گریه کردم. نه که فکر کنی تا حالا جنازه یا مرده ندیده‌ام. روزی که سینما رکس آبادان آتش گرفت، من کوچک بودم ولی آنجا کمک می‌کردم. این یک سالی هم که بندرعباس هستم وقتی کشتی‌های سهند و ایران‌اجر را آمریکایی‌ها زدند من بودم و جنازه خالی می‌کردم ولی این دفعه یک چیز دیگری است. جنازه آن بچه ۸ ماهه را که دادند بغلم، من گریه کردم باور می‌کنی؟ کیهان همچنین نقل‌قول دیگری از یکی از امدادگران را این‌گونه روایت می‌کند: اولین جنازه را که داخل آوردم، باور نمی‌کردم یک دختر بچه ۷، ۸ ساله است که دست و پایش تکه‌تکه شده بود. چند جنازه که آوردیم دیگر حالم عوض شد. در خیلی از عملیات‌های امدادی شرکت داشتم ولی این یکی اصلا چیز دیگری است. این همه جنازه قطعه قطعه شده؟ بعضی‌ها بدجوری تکه‌تکه بودند، یک لنگه‌کفش زنانه آوردند یک پا تا مچ توی آن بود. باور می‌کنی؟ نه؟ ما که خیلی دل داشتیم ماندیم. بعضی‌ها همان اول از حال رفتند.

آیت‌الله منتظری، قائم‌مقام رهبری یک روز پس از این فاجعه در نامه‌ای به امام خمینی خواستار برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای مبارزه با آمریکا شد و نوشت: اکنون که دشمن اصلی اسلام و مسلمین علاوه بر عمالش در منطقه خود به میدان آمده، دستور فرمایید تا ضمن دفاع مقدس از مرزهای کشور برنامه‌هایی دقیق در جهت مبارزه اصولی با دشمن اصلی یعنی آمریکا در جبهه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تدوین و به مورد اجرا و عمل گذاشته شود، زیرا مواجهه با معلول‌ها و غفلت از علت‌العلل با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و حضرت مستطاب عالی توجه دارید که یک مبارزه تمام‌عیار با آمریکا با شعار فقط و انجام مراسمی تبلیغاتی کافی نخواهد بود. اما اگر بخواهیم در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت‌العلل مظالم و طغیان‌ها و فسادها مبارزه کنیم، راهی جز شناخت و شناساندن انواع سلطه‌های آمریکا و امپریالیسم و جبهه‌هایی که آمریکا از آن جبهه‌ها به اسلام و امت بزرگ اسلامی و مظلومان جهان حمله می‌کند، نداریم و یقینا چنین وظیفه مهمی را باید در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دشمن برای ملت مقاوم خود و سایر ملت‌های مظلوم تشریح و تبیین کنیم و برای مبارزه همه‌جانبه و اساسی با آن برنامه‌ریزی دقیق بکنیم.

امام خمینی نیز در پاسخ به نامه آیت‌الله منتظری با اشاره به جنگ مکتب اسلام و مکتب ظلم و جور اعلام کرد: مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می‌کنند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند. جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ملست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرفهان و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی هلست. رزمندگان مادر دنیای پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخ‌نشینان وارد می‌کنند.

محسن رضایی:

هرگز از سپاه جدا نخواهم شد

سرلشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۴ تیر ماه ۷۶ و در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره شایعات مربوط به استعفای خود از سمت فرماندهی سپاه، اظهار داشت: من هرگز از سپاه جدا نخواهم شد، همان‌طور که از روحانیت و رهبری جدا نخواهم شد و لباس مقدس سربازی و پاسداری از اسلام و ملت ایران برای من افتخار بزرگی است که ان‌شاءالله آن را حفظ خواهم کرد. همواره شایعاتی از این نوع در کنار سپاه و بسیج بوده است و سپاه و بسیج با این شایعات خو گرفته‌اند که این امر عملا بیانگر نقش مهم و انکارناپذیر سپاه در امنیت ملی کشور است.

سیدمحمد خاتمی:

ولایت فقیه اصل نظام است و مخالفت با آن مخالفت با جمهوری اسلامی است

سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات ۱۴ تیر ماه ۷۷ و در جریان سفر به استان کهگیلویه و بویراحمد اظهار داشت: کسی حق ندارد به‌خاطر اینکه برنامه رئیس‌جمهور و یا تصمیمی که مجلس اتخاذ کرده و مطابق میلش نیست، به این ارکان نظام اهانت کند و یا خواستار انحلال یا حذف آنها شود. مجلس مظهر مردمی بودن نظام است و اگر مصوبه‌ای را نمی‌پسندیم، می‌توانیم انتقاد کنیم اما حق نداریم اهانت و یا آن را تضعیف کنیم. ولایت فقیه به‌عنوان محور و مدار نظام است. وقتی این نظریه در قانون اساسی آمده است دیگر نمی‌توان آن را یک نظریه فقهی دانست، بلکه اصل نظام است و مخالفت با آن مخالفت با یک نظریه فقهی محسوب نمی‌شود، بلکه مخالفت با اساس جمهوری اسلامی است و هیچ نظامی اجازه نمی‌دهد که به اصول و مبانی آن حمله شود.

از توقیف روزنامه سلام تا آشوب و التهاب در کوی دانشگاه و خیابان‌های تهران

در ۱۸ تیر ۷۸ چه گذشت؟

۱۵ تیر ماه ۷۸ و تنها یک روز مانده به تعیین تکلیف طرح اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس پنجم، روزنامه سلام به مدیر مسئولی سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها نامه‌ای محرمانه و طبقه‌بندی‌شده از وزارت اطلاعات را به‌صورت غیرقانونی منتشر می‌کند و با تیتر سعید اسلامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است، کلیت ایده اصلاح قانون مطبوعات را به متهم قتل‌های زنجیره‌ای نسبت می‌دهد. انتشار این روزنامه و چنین خبری با توجه به حساسیت موضوع سعید امامی، جو سیاسی کشور را ملتهب می‌کند، به‌صورتی که وزارت اطلاعات از روزنامه سلام شکایت و دادگاه ویژه روحانیت طی حکمی دستور توقیف این روزنامه را صادر می‌کند. ۱۷ خرداد و بعد از این اتفاق روزنامه‌های زنجیره‌ای دوم‌خردادی در یک اقدام هماهنگ، روی جلد خود به این موضوع پرداخته و بعضا با ادبیات تهدیدآمیز عواقب این اقدام دستگاه‌های امنیتی را گوشزد کردند.

التهاب ناشی از خبر مربوط به سعید امامی و توقیف روزنامه سلام شب ۱۸ تیر کوی دانشگاه تهران را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. شامگاه پنجشنبه هفدهم تیر ۷۸، فردی منتسب به دفتر تحکیم‌وحدت و از کارمندان جهاد دانشگاهی که در کوی دانشگاه اتاقی در اختیار داشت، اعلامیه‌ای دست‌نویس در ساختمان کوی برای تجمع دانشجویی در اعتراض به توقیف روزنامه سلام پخش می‌کند و در پی آن تجمعی ۱۵۰ نفری با میدان‌داری اعضای تحکیم‌وحدت و انجمن دانشگاه تهران شکل می‌گیرد و آنها به خارج از دانشگاه می‌روند. حضور تجمع‌کنندگان در خیابان کارگر با شعارهای ساختارشکن و تحریک‌کننده از سوی لیدرهای معترضان و سنگ‌پراکنی و آسیب زدن به خودروها همراه می‌شود تا با ورود نیروی انتظامی و برخورد با دانشجویان مساله به یک معضل امنیتی تبدیل شود. برخورد نیروی انتظامی با تجمع‌کنندگان به داخل کوی نیز کشیده می‌شود و التهابات حتی پس از خروج نیروی انتظامی از کوی تا صبح ادامه پیدا کرد. در حالی که صبح فردای آن روز با نظر شورای تامین استان و برای آرام شدن اوضاع در کوی، نیروی انتظامی از صحنه خارج شده بود، اما با رفت‌وآمد چهره‌های نزدیک به جریان دوم‌خرداد مانند مصطفی تاجزاده، سیدهادی خامنه‌ای، ماشاءالله شمس‌الواعظین، اکبر گنجی و... به میان دانشجویان اوضاع بغرنج‌تر از قبل می‌شود. تجمعی در آن روز از سوی افراد داخل کوی در مسجد صورت می‌گیرد و دفتر تحکیم‌وحدت در اعلامیه‌ای که بالای آن آیه مبارکه بای ذنب قتلت نوشته‌شده بود، مدعی کشته شدن ۵ دانشجو در التهابات شب قبل می‌شود و کار به تحصن می‌کشد. در حالی که ادعای کشته شدن ۵ دانشجو واقعیت نداشت، اما حجله‌هایی برای آنها ترتیب داده می‌شود و مراسم یادبودی برای آنها برگزار و مجری مراسم با لباس مشکی در آن حاضر شده و برای کشته‌شدگان اشک می‌ریزد.

صبح روز شنبه ۱۹ تیر، روزنامه‌های حامی دوم‌خرداد تیترهای اول خود را به التهابات کوی دانشگاه اختصاص می‌دهند و به نقل از دفتر تحکیم ادعای کشته‌شدن دانشجوها را تکرار و یک هفته عزای عمومی اعلام می‌کنند. در تیتر برخی روزنامه‌ها آمده: کوی دانشگاه تهران به‌خون کشیده شد ، حمله نیروی انتظامی و شبه‌نظامیان به تجمع اعتراضی دانشجویان به‌توقیف سلام . ای مردم باغیرت، اعتصاب اعتصاب و گرامیداشت کبوتران خونین بال دانشگاه تهران .

مصطفی معین، وزیر علوم با استعفای خود برخورد با تجمع‌کنندگان را حمله به حریم امن دانشجو خواند، اما محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت با این استعفا موافقت نکرد. اعتراض دانشجویان ابتدا متوجه حمله به کوی دانشگاه تهران بود، اما رفته‌رفته حاکمان جمهوری اسلامی هدف اعتراض‌های تند قرار گرفتند. احمد باطبی پیراهن خونین دوستش را بر دست گرفته است و این عکس در صفحه اول مجله انگلیسی زبان اکونومیست چاپ می‌شود.

غروب ۱۹ تیر نیز تجمعی با حضور ۱۵۰۰ دانشجو در مقابل وزارت کشور در خیابان فاطمی تهران برگزار می‌شود. ساعت ۱۹ تاج‌زاده مقابل وزارت کشور در جمع

دانشجویان صحبت می‌کند. اظهارات تاج‌زاده مقابل وزارت کشور موجب شد جمعیت بر عصبانیت‌شان افزوده شده و ۴ نفر بلندگو به دست جمعیت را به‌سمت خیابان ولی‌عصر و فلسطین جنوبی یعنی بیت رهبری هدایت کنند. سیداحسان قاضی‌زاده هاشمی، دبیر کل وقت جامعه اسلامی دانشجویان درباره این تجمع می‌گوید: ما با اینها دانشجویانی که برای تسخیر وزارت کشور به‌سمت خیابان فاطمی رفته بودند، به‌سمت فاطمی رفتیم و من مشاهده کردم که این افراد در بزرگ آهنی وزارت کشور را از جا کندند که آقای تاج‌زاده آمد در وسط حیاط وزارت کشور یک صندلی گذاشت و یک جمله کلیدی گفت. تاج‌زاده به این جماعت گفت: شما چرا آمده‌اید اینجا؟ شما چرا در وزارت کشور را از جا می‌کنید؟ اینجا که مال شماست. شما باید جای دیگری بروید و در آنجا را بکنید. و پای بلندگوی دستی مدام می‌گفت: اینجا متعلق به‌خود شماست و شما اشتباهی آمده‌اید.

این درگیری‌ها تا روز ۲۳ تیر ماه ادامه داشت تا اینکه در این روز با راهپیمایی، مردم تهران حدفاصل خیابان فاطمی تا میدان ولی‌عصر (عج) و میدان انقلاب، خشونت و هرج و مرج را محکوم کردند.

حسن روحانی:

کارآمدی آژانس در پرونده فعالیت هسته‌ای ایران زیر سوال رفته است

حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول پرونده هسته‌ای ایران ۱۴ تیر ماه ۸۳ و در جریان سفر به لهستان درباره تعلیق غنی‌سازی در ایران و پیمان‌شکنی اروپایی‌ها در شورای حکام، گفت: هنگام امضای بیانیه تهران در حضور وزیران خارجه سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان به‌صراحت اعلام شد تعلیق غنی‌سازی اورانیوم موقت و حداقل یک روز و حداکثر یک سال خواهد بود. اکنون پس از ۸ ماه تعلیق و پیمان‌شکنی طرف‌های اروپایی، جمهوری اسلامی نیازی به ادامه آن نمی‌بیند و بی‌اعتنا به قطعنامه اخیر شورای حکام، قطعه‌سازی و مونتاژ را برای غنی‌سازی اورانیوم و روند قبلی آغاز خواهد کرد. اروپایی‌ها در نشست اخیر شورای حکام تلویحا به برخی دیپلمات‌های شورای حکام گفته‌اند که آمریکا برای انتخابات اخیر خود آبان ۸۳ نیاز به گشوده ماندن پرونده ایران دارد و ما نمی‌توانیم آن را ببندیم. البرادعی رئیس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم برای نامزد شدن خود در انتخابات امسال ریاست کل آژانس، ملاحظاتی در نظر گرفته که به باز ماندن پرونده هسته‌ای ایران مربوط می‌شود. پس از دو سال بازرسی، کارآمدی آژانس در مختومه کردن پرونده فعالیت هسته‌ای ایران زیر سوال رفته، کشورهای عضو شورای حکام نیز با تعجب و سوالات افکار عمومی جهان مواجه شده‌اند. وقتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم گام بردارد، دیگر برایش اهمیتی ندارد که این پرونده در نشست شهریور یا آذر ماه شورای حکام و یا دیرتر بسته شود.

هاشمی رفسنجانی:

پس از تحریم‌های آمریکا ارزش ریال بالا رفت و تورم را مهار کردیم

اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور ایران ۱۲ تیر ماه ۷۴ و در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان درباره تحولات ایران و جهان صحبت کرد. در ادامه بخشی از این گفت‌وگو را می‌خوانید.

///

تحریم‌های آمریکا چه تاثیری روی ایران داشته است؟

تحریم‌های آمریکا علیه ایران نه‌تنها تاکنون تاثیری نداشته، بلکه اثرات مثبت به‌همراه داشته است. ایران از نظر اقتصادی به‌طور واقعی به آمریکا وابسته نیست. یکی از اثرات مثبت تحریم آمریکا این بوده است که شرایط ویژه‌ای پیش‌روی ایران است و تحریم‌های آمریکا باعث شد ما تصمیمات ویژه اقتصادی خود را راحت‌تر اتخاذ کنیم، ازجمله نتایج این تصمیمات افزایش ارزش ریال است. پس از اعلام سیاست تحریم از سوی آمریکا، ما در ایران تورم را مهار کردیم و نگران آینده نیستیم.

بیش از جنبه‌های فیزیکی، تحریم‌های آمریکا از نظر سیاسی چه تاثیری بر شما داشته است؟ تحریم‌های آمریکا در داخل ایران ابزار دست چه کسانی شده است؟ چه کسی در ایران موضعش مستحکم می‌شود؟

من تحریم آمریکا را یک اقدام منطقی نمی‌دانم. بهتر بود نوعی روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور وجود می‌داشت. شاید ایران و آمریکا در آینده روزی بتوانند در مواردی روابط بهتری داشته باشند. تحریم‌های آمریکا تنها می‌تواند تنفر را بین مردم دو کشور بیشتر کند و اثرات منفی از خود به جای بگذارد. این‌گونه تنش‌ها نباید افزایش یابد.

حدود دو سال دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران برگزار می‌شود اما بسیاری از مردم می‌گویند کاملا آزاد نیستند. آنها نمی‌توانند پشت هر نامزد انتخاباتی بایستند، کاندیداها باید از سوی نهاد اصلی (شورای نگهبان) انتخاب بشوند. همچنین احزاب مخالف رسمی هم وجود ندارد. این برای بسیاری از افرادی که ما درباره آنها صحبت کردیم، مساله است. به‌نظر شما چه موقع ایران انتخاباتی خواهد داشت که در آن همه نامزدها بتوانند بدون گزینش شرکت کنند و در ایران احزاب مخالف رسمی وجود داشته باشد که بتوانند در انتخابات مبارزه کنند؟

قانون انتخابات ایران نشأت‌گرفته از قانون اساسی است و انتخابات آزادانه برگزار می‌شود. ممکن است بعضی افراد شرایط انتخاب شدن را نداشته باشند، مثلا بعضی افراد ممکن است خیلی جوان باشند و یا توانایی لازم را نداشته باشند که تعداد آنها بسیار کم است. به نظر من این قضاوت درباره ایرانی که پس از انقلاب پایه و اساس نظامش براساس انتخابات شکل گرفته، ظالمانه است. در آمریکا از طریق تبلیغات افراد انتخاب می‌شوند، اما در ایران چنین تبلیغاتی نیست.

به نظر شما دولت انقلابی و نظام پس از ۱۶ سال آیا احساس امنیت کافی نمی‌کند تا به احزاب مخالف اجازه فعالیت دهد؟

مردم آزادند، اما احزاب معمولا ضعیف هستند و در موقع انتخابات جایگاهی ندارند. احزابی هستند که نمی‌توانند آرای کافی را به‌دست آورند. درحال حاضر نهادهای سیاسی مختلفی تشکیل شده‌اند که می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.

پس از ۱۶ سال بسیاری از مردم، ازجمله دانشمندان مسلمان، روحانیون و روشنفکران می‌گویند شاید روحانیت نباید در دولت نقش داشته باشد، و باید در بخش مذهبی فعالیت کند چون روحانی بودن یک وظیفه الهی است و روحانیون اینک در جایگاهی دیگری قرار گرفته‌اند. آیا فکر می‌کنید زمان آن رسیده باشد که روحانیون از پست‌های دولتی کناره‌گیری کنند؟ و فکر نمی‌کنید روحانیون از اینکه در دستگاه دولت هستند در رنجند؟

دولت اکثریتش غیرروحانی است و آنهایی که می‌خواهند با روحانیون رقابت کنند و رای‌شان ضعیف است، این حرف‌ها را می‌زنند. ما نمی‌توانیم حق آرای مردم را نادیده بگیریم.